

متن پرسش

سلام خدمت استاد حقیر سوالی در مورد اصالت فکر داشتم که در پاسخ فرمودید این نحوه بحث یک روش انحرافی است . اما نکته ای که فکر می کنم در انتقال آن به حضرتعالی خوب عمل نکرده ام این است که من به هیچ وقت نمی خواهم بهشت و جهنم کسی را تعیین یا حتی بدانم . بلکه طرح بحث شما در مورد بعضی اشخاص این شائبه را در ذهن تقویت می کند . اگر در سوال قبلی هم دقت کرده باشید من گفتم که آیا هر انسانی که بهشتی است درست فکر میکند ؟ از این سوال منظوری غیر از تعیین بهشت و جهنم افراد داشتم . ببینید شما در برخورد با انسان هایی که ظاهرا بهشتی هستند (مثل شهدا) یا کسانی که مشهور به اوج عرفان بودند(مثل امام خمینی و علامه طباطبایی) ، آن ها را لاجرم دارای افکار درستی می دانید. در واقع این ملازمه بین عاقبت به خیری و فکر درست را شما در ذهن ایجاد می کنید . من اصراری ندارم که شهید احمدی روشن یا شهید شهریاری به دنبال تسخیر تکنیک نبوده اند !!! بلکه سوال من این است که شما با چه قرینه ای این عزیزان را و به طور کلی انسان های وارسته را دارای فکر درست میخوانید ؟ دقیقا این جا من سوال میکنم که آیا غیر از اینکه این عزیزان انشاءالله بهشتی هستند ، دلیل دیگری هم وجود دارد که درست فکر می کنند ؟ ببینید من میگویم اگر قرار باشد من نوعی ، هر طور خواستم فکر کنم ، بعد وقتی شهید شدم بشوم انسانی که می خواست از مدرنیته عبور کند که خیلی پیدا کردن تفکر ناب و درست بیهوده می نماید. من شما را به مصاحبه تلویزیونی آقای مهدی نصیری جلب می کنم . مجری با اشاره به دعواهای روزنامه ای نصیری در کیهان وقت با آوینی ، می پرسد آیا الان که آقای آوینی شهید شده اند و این مدت طولانی گذشته است ، باز هم با ایشان اختلاف دارید ؟ نصیری میگوید شهید شدن ایشان هیچ تاثیری در روی پذیرش افکار آوینی و یا رد افکار خودم ندارد . همانطور که اگر من شهید میشدم آوینی به هیچ وجه نباید به این دلیل حرف های من را تصدیق کند . البته من تصدیق می کنم که قطعا شهید با آن مرتبه والا ، و آن شدت نفس ، قطعا عاشق و دلباخته مدرنیته نبوده اند . بلکه عاشق خدا بوده اند . حتی تصدیق می کنم که شاید کار شهدا نتیجه مجاهدت شهدا عبور از غرب باشد ، اما مسئله این است که آیا این عزیزان خودشان به این اذعان داشته اند ؟ حتی به اجمال ؟ شبهه من این بود ! پی نوشت : آیا حکما با هم اختلاف نظر ندارند؟ چون شما آقا را به خاطر حکیم بودن دارای تکفر نفی کلی میدانید .

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ملاک صحت یک اندیشه که منجر به عاقبت به خیری می شود اندیشه‌ی

توحیدی است که رسول خدا «صلوة الله علیه وآله» در جمله‌ی «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» اظهار فرمودند . می‌ماند که اندیشه‌ی توحیدی لوازمی دارد هرکس به همان اندازه که در عقیده و عمل به توحید نزدیک است عاقبت به خیر است. هنر ما باید آن باشد که لوازم اندیشه‌ی توحیدی را منجر به یک راه ندانیم. بنده هرگز فکر نمی‌کنم که اگر کسی از طریق حکمت به توحید نرسید، دیگر توحید ندارد. بنابراین وقتی ملاک ما توحیدی بود که رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» مطرح فرمودند حداقل می‌توانیم خودمان را بیاییم که از این مرز خارج نشویم ولی نمی‌توانیم بقیه را که در ذیل امامان معصوم «علیهم السلام» قرار دارند از توحید خارج بدانیم. موفق باشید